

## اهمیت منابع ادبی در شناخت جامعه روستایی عصر صفوی

سید سعید میرمحمدصادق،<sup>۱۳</sup> عطاءالله حسنی<sup>۱۴</sup>

### چکیده

پژوهش در حوزه‌های تاریخ اجتماعی ایران عموماً به دلیل کمبود منابع با دشواری‌هایی روبرو است، زیرا بسیاری از متون تاریخی عمده مطالب‌شان در باب تحولات تاریخ عمومی، سلسله‌ای و یا سلطانی است و با توجه به ساختار کتاب، کمتر به زندگی مردم و تحولات اجتماعی پرداخته شده است. اما به‌رغم محدودیت منابع تاریخی، می‌توان با توجه به سایر منابع به‌ویژه متون ادبی - که شاید بتوان در پژوهش‌های تاریخی آن‌ها را منابع مکمل نامید - پژوهشی نو در حوزه تاریخ اجتماعی انجام داد. این مقاله درصدد است تا اهمیت منابع ادبی را برای پژوهش‌های تاریخ اجتماعی بررسی کند.

کلیدواژه‌ها: منابع ادبی، واژه‌نامه‌ها، منشآت و تذکره‌های ادبی، جامعه روستایی.

۱۳. دانش‌آموخته دکتری تاریخ ایران اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. smirsadeqi@yahoo.com

۱۴. استاد گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

## مقدمه

عمده منابع تاریخی به جای مانده از قرون گذشته، ساختار هر می دارند، یعنی بر اساس شخصیت شاه و حاکمیت، به ذکر وقایع تاریخی پرداخته‌اند و پژوهشگران بر اساس رخدادهایی که شاه در آن حضور دارد، می‌تواند از رخدادهای جامعه با خبر شود؛ حال این پرسش مطرح می‌شود که برای نگارش تاریخ اجتماعی و بررسی روزگاران مردم، آیا تنها همین منابع در دسترس است و آیا این منابع به ما برای کمک به شناخت جامعه، به‌ویژه جوامع فرودست می‌تواند کمک کند؟ در پاسخ باید گفت که با توجه به حضور حاکمیت و شاه و رخدادهای مرتبط، گاهی می‌توان اطلاعاتی ولو اندک از جوامع فرودست مثل جامعه روستایی به دست آورد، اما گاهی برای غور در زندگی گذشتگان، نیازمند به بهره‌گیری از سایر منابع هم‌عصر، اما غیر تاریخی هستیم.

افزون بر منابع تاریخی، در منابع ادبی (منشآت، تذکرها، واژه‌نامه‌ها و دیوان شعرا) نیز مطالب و شواهد مهمی وجود دارد که در تاریخ‌نگاری و تدوین رخدادهای گذشته به کار مورخ می‌آید. این منابع اهمیت بسزایی در پژوهش‌های اجتماعی و مردم‌نگاری دارند که هیچ‌گاه یک پژوهش‌گر حوزه تاریخ اجتماعی نمی‌تواند از بررسی این نوع منابع غافل بماند و می‌بایست از سوی پژوهش‌گران به‌عنوان منابع دست اول مورد واکاوی قرار گیرند. فارغ از دواوین شعرا - که در دوره صفوی آثار زیادی در دست است و انعکاس برخی رخدادهای اجتماعی را در این گونه منابع شعری می‌توانیم بازیابی کنیم و البته در حوصله این مقاله نیز بررسی نکات تاریخ اجتماعی منابع شعری این دوره نیست - نویسندگان در این مقاله درصدد هستند تا اهمیت سایر منابع ادبی را - فارغ از کارکرد موضوعی آن - در پژوهش‌های اجتماعی دوره صفوی نشان دهند.

## پیشینه تحقیق

در باب موضوعات این مقاله یعنی منابع ادبی (منشآت، تذکرها، واژه‌نامه‌ها) و اهمیت آن در پژوهش‌های تاریخی، به‌صورت مستقل کاری انجام نشده است؛ اما براساس محتوای موضوعی و اهمیت ادبی هرکدام از منابع موضوعی پیش‌گفته، پژوهش‌هایی انجام شده است. برای نمونه، درباره ساختار انتقادی و مضمونی تذکرها به دو پژوهش اشاره می‌شود.

در باب ساختار انتقادی تذکره‌ها، پایان‌نامه‌ای است با عنوان: بررسی آرای انتقادی در تذکره‌های مهم فارسی، نوشته شهلا فرقدانی که در سال ۱۳۸۹ در دانشگاه علامه طباطبایی دفاع شده است. نویسنده این پایان‌نامه، درصدد است با تحلیل و بررسی تذکره‌های مهم فارسی، آراء انتقادی تذکره‌نویسان را گردآوری، تحلیل و طبقه‌بندی کند. او برای رسیدن به چنین هدفی، سیاهه‌ای از تذکره‌های فارسی در بازه زمانی سده هفتم تا سیزدهم - که در ایران و هند تألیف شده‌اند - فراهم کرد. پژوهش‌گر برای تحلیل و بررسی آراء انتقادی تذکره‌نویسان افزون بر تذکره‌ها، از منابع مستقلی که در زمینه نقد ادبی ایران تألیف شده و نیز تألیفاتی که به‌شکل به نقد و تحلیل شعر شاعران پرداخته‌اند و نیز برخی کتاب‌های مربوط به نقد و نظریه‌های ادبی بهره برده است (فرقدانی، ۱۳۸۹: ۵ - ۱۴).

به لحاظ اهمیت مضمونی تذکره‌ها، مقاله‌ای در دست است که به تحلیل ساختار محتوای تذکره‌ها پرداخته است با عنوان: گذری دیگرگون بر تذکره‌های ادبی (بحث در باب گونه‌شناسی تذکره‌های ادبی و ارائه طرخی برای تقسیم بندی آنها)؛ نویسنده در این مقاله درصدد است تا در کنار بازشناخت معیارها و سازه‌های تذکره‌ها، به‌عنوان یک گونه ادبی، هم‌چنین به رده‌بندی انواع موجود از تذکره‌ها دست یازد (شفیعیون، ۱۳۹۳: ۱۵ - ۱۰۴).

در باب منشآت نیز تک‌نگاری‌هایی در باب اهمیت برخی از منشآت تا کنون به چاپ رسیده است از جمله مقاله: جایگاه منشآت نصرالله بن عبدالؤمن منشی سمرقندی در پژوهش‌های تاریخی دوره تیمور که نویسندگان مقاله با توجه به حوزه پژوهشی ایشان، به اهمیت محتوای تاریخی منشآت توجه داشته‌اند (اورجی، منوچهری، ۱۳۹۳: ۶۰ - ۱۱).

در حوزه لغت بیشتر در باب اهمیت ساختار واژگانی و معنایی مقالات کار شده است. مثل سلسله‌مقالاتی که در مجله فرهنگ‌نویسی در مورد پژوهش‌های لغوی است (صادقی، ۱۳۸۹، ش ۳: صص ۱۵۶ - ۱۷۱)؛ این روند تا آخرین شماره که با تاریخ این مقاله هم‌زمان بود ادامه دارد؛ در خصوص اهمیت دیگر منابع لغوی، مقاله‌ای نیز با عنوان جنبه‌های اجتماعی فرهنگ‌نویسی در دست است که نویسنده در این مقاله بیشتر در مورد اهمیت جنبه‌های اجتماعی و نظریه‌هایی که مختص این موضوع است، تحلیل خود را بیان کرده است، اما متناسب با نظریه‌هایی که ارائه می‌دهد، فرهنگ لغتی را از این منظر بررسی نمی‌کند (سارلی، ۱۳۹۲: ۶۶ - ۷۴).

## پرسش‌های تحقیق

نویسنده در این پژوهش درصدد است تا ضمن بررسی منابع مهم ادبی دوره صفوی در سه حوزه منابع لغوی، منشآت و تذکره‌ها، به پرسش‌های ذیل پاسخ دهد:

۱. آیا منابع ادبی در پژوهش‌های تاریخی می‌تواند به‌عنوان منابع مکمل مورد استفاده قرار گیرد.
۲. منابع ادبی با توجه به ساختار موضوعی خود، چگونه می‌تواند راهگشای تاریخ‌نگاران در پژوهش‌هایشان باشد.

## روش تحقیق و شیوه جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها

روش تحقیق در این پژوهش، مبتنی بر تحقیقات کتابخانه‌ای و بهره‌گیری از منابع و متون ادبی روزگار صفوی است. شیوه جمع‌آوری داده‌ها، مبتنی بر اطلاعاتی است که در میان مطالب ادبی نهفته است که افزون بر روح ادبی متن، نکته مهمی برای مباحث تاریخی دارد و کمک شایانی به پژوهش‌گران حوزه تاریخ می‌کند. نویسنده در تحلیل داده‌ها و منابع ادبی به دنبال این است تا ارزش تاریخی این‌گونه منابع را شرح کند.

## الف) بررسی نکات تاریخی در منابع ادبی

### الف-۱) منشآت

منشآت در فرهنگ و ادب فارسی جایگاه ویژه‌ای دارد و افزون بر جنبه‌های ادبی و کارکردهای زبان‌شناختی و نیز بهره‌گیری از آن در آموزش فن‌کتابت و نویسندگی و شیوه نامه‌نگاری اداری به دیوانیان، اطلاعات مهم تاریخی به‌ویژه تاریخ اجتماعی، آگاهی‌هایی از ساختار سیاسی و مطالبی از احوال خصوصی مردم، بافت اجتماعی، اعتقادات دینی و فرقه‌های مذهبی و ساختار تشکیلات حکومتی، در فحوای مطالب خود دارد. مؤلفان منشآت بر اساس نیازهای درون جامعه، اظهارنامه‌ها، شهادت‌نامه‌ها، توبه‌نامه‌ها، آزادنامه‌ها و وقف‌نامه‌ها و ... تنظیم می‌کردند که تهیه و تنظیم این نوع نامه‌ها، ظاهراً درآمدهایی برای آنان داشته است. سه مجموعه منشآت، به دلیل تنوع موضوعی در دوره صفوی بسیار مهم

است که نکات سودمندی برای پژوهش‌گران تاریخ اجتماعی دارد.

پژوهشی درباره مکتوبات تاریخی فارسی ایران و ماوراءالنهر، کتابی فراهم آمده، از سه مجموعه مکتوبات تاریخی مؤسسه شرق‌شناسی سنت پترزبورگ است. نخست، مجموعه A210 یا مجموعه اوزبکان با ۳۱۱ مکتوب که مکتوبات آن عمدتاً به دوره زوال تیموریان و دوره پس از سقوط آنها تعلق دارد؛ مکتوبات موجود در این مجموعه، بدون تاریخ است که به نظر پژوهنده و مصحح این مکتوبات، به قصد تمرین نامه‌نویسی فراهم شده است (صفت‌گل، ۲۰۰۶: ۴-۸).

مجموعه دوم، مجموعه A471 است که مجموعه صفوی معرفی شده با ۱۲۰ عنوان مکتوب در بازه زمانی سال‌های ۹۵۰ تا ۱۰۵۸ق است و از لحاظ حوزه تمدنی به حدود شیراز و فارس، ولایت شیروان و حدود خراسان مربوط می‌شود. شمار مکتوبات صفوی در مقایسه با مکتوبات مجموعه‌های اوزبکان و امیر بخارا بسیار اندک است (همان: ۳۴-۳۵). مجموعه سوم به شماره A212، مجموعه امیر بخارا با ۱۸۳ مکتوب، درباره امرای منغیت (۱۱۶۰-۱۳۳۹ق) در بخارا و دوران امارت امیر شامراد (۱۱۹۹-۱۲۱۲ق) و امیر حیدر توره (۱۲۱۵-۱۲۴۲ق) است (همان: ۴۱-۵۱).

به‌رغم وجود مکتوبات اخوانی / دیوانی و عرضه‌داشت‌ها در مجموعه صفوی، درباره ساختار دیوانی و اداری صفویان، مکاتیب این اثر اطلاعات اندکی دارد؛ هم‌چنین افزون بر مطالب تاریخی که درباره شورش القاس میرزا، مکتوبات و عرضه‌داشت‌های بهرام میرزا، رویدادهای مربوط به شاه نورالدین نعمت‌الله - ملقب به مرتضی ممالک اسلام - و ابراهیم خان ذوالقدر حاکم فارس دارد، مطالب اجتماعی سودمندی درباره رفع رسومات چوب و علفزار شیراز - که از چوپانان و روستائیان گرفته می‌شد - و پیگیری و تعقیب عرق‌کشان، خروس‌بازان، کبوتربازان و ... در دسترس پژوهش‌گران حوزه تاریخ اجتماعی قرار می‌دهد (همان: ۳۴۲-۳۴۳، ۳۹۰).

شرف‌نامه لاری، نوشته روح‌الله شیرازی متخلص به فتوحی، مجموعه‌ای از مکاتبات و منشآت دیوانی و اداری، در نیمه دوم قرن ۱۰ق، در ایالت فارس و لارستان و نواحی جنوبی ایران است. نویسنده از منشیان عصر صفوی است و از زندگانی او بجز برخی مطالب منشآتش، اطلاع دیگری در دست نیست. از او با عنوان منشی یاد شده است و در

یک مورد او از خود با عنوان روح‌الله منشی و منشی‌الممالک و البلاد یاد کرده است. منشآت او شامل مکاتبات، منشورات، احکام، پروانجات، عرایض و رسایل دوران حکومت ابراهیم‌خان ذوالقدر ۹۴۷ تا ۹۶۲ق، شاه‌ولی سلطان ذوالقدر ۹۶۶ تا ۹۷۸ق، و ولی سلطان قلخانچی ذوالقدر ۹۷۸ تا ۹۸۵ق، در ایالت فارس را شامل می‌شود (ووثوقی، ۱۳۸۹: ۲۵).

این کتاب هرچند مکاتبات اداری است و برای شناخت اصول نامه‌نگاری و انشاء عصر صفوی، اثری مهم به شمار می‌رود، اما برای شناخت تاریخی ایالت فارس و منطقه لارستان در نیمه دوم قرن ۱۰ق، منبع سودمندی است و درباره تاریخ، جغرافیا، اوضاع اقتصادی، اجتماعی و کشاورزی هم‌چون محصولات مناطق لار و فارس، شیوه‌های شکار، صادرات اسب لار از دریا به هند، روش مقاسمه و پروانچه تخفیف بذر که به روستائیان می‌دادند، مطالب خوبی برای خواننده دارد (شیرازی متخلص به فتوحی: ۱۳۸۹: ۱۴۶، ۱۵۵، ۲۰۲ - ۲۰۳، ۳۰۱ - ۳۰۲، ۳۳۰).

گلدسته اندیشه تألیف محمدامین وقاری طبسی یزدی (زنده در سال ۱۰۹۸ق) از ادبا و دانشوران سده ۱۱ق، و از اعقاب مولانا شمس‌الدین محمد طبسی از رجال ادبی در پایان سده ۶ و آغاز سده ۷ق است. وی در طول حیات خود، نامه‌های بسیاری خطاب به رجال سیاسی، علمی و فرهنگی نوشت و نیز به دلیل مهارتی که در نثر و نظم داشت، نامه‌ها و عرایضی را به خواهش دیگران در مناسبت‌های مختلف نگاشت. سرانجام در سال ۱۰۸۳ق، نامه‌های خود را گردآوری کرد و دیباچه‌ای بر آن‌ها نوشت و به گلدسته اندیشه موسوم ساخت. این کتاب در زمره آثاری است که در قالب منشآت به عنوان سرمشقی برای ترسل و نامه‌نگاری تدوین شده است (ابویی مهریزی، ۱۳۸۴: ۲۵۶ - ۲۵۸).

این منشآت، اطلاعات خوبی درباره تاریخ و احوال اجتماعی ایران در سده ۱۱ق، دارد. از جمله می‌توان به استشهادنامه‌ای که حکام برای رضایت از رعایا می‌گرفتند، آزادنامه غلامان سفید گرجی، توبه‌نامه‌های مربوط به بزرگان کشوری و لشکری - که غالباً به دنبال صدور فرامین پادشاهان صفوی دائر بر منع ارتکاب محرمات، توبه کرده‌اند، صلح‌نامه بزرگان و اهالی محله عباس‌آباد اصفهان با میانجی‌گری کلاتر آن، صورت‌مجلس نطعی (تنبان) پوشیدن پهلوان میرزابیگ کشتی‌گیر - که درباره کیفیت ارتقای کشتی‌گیران به مقام پهلوانی و ارتباط آن با آداب اهل طریقت، همه از موارد بسیار ارزشمند این کتاب است؛

همچنین از خلال نامه‌ها می‌توان به برخی از جزئیات از جمله خربزه‌کاری در اطراف یزد، احوال زردشتیان، افاغنه، قزلباشان، گرجیان آگاه شد و از پاره‌ای از اقشار و اصناف اجتماعی دوره صفوی هم چون شعرباغان، زرگران و پوستین‌دوزان به اطلاعات خوبی دست یافت که برای پژوهندگان تاریخ اجتماعی شهری و روستایی ایران روزگار صفویه بسیار مفید و حائز اهمیت است (وقاری، ۱۳۸۴: ۶۱، ۵۴، ۵۶، ۵۹، ۶۱، ۶۵-۶۶، ۲۱۷).

## الف-۲) تذکرها

نویسندگان تذکرها چون در درون جامعه هستند، بسیاری از رخدادها را براساس دیده‌ها و یا شنیده‌هایشان و فارغ از وجه قالب مورخان رسمی، در خلال سرگذشت شاعران، ثبت کرده‌اند که این مستندات تاریخ اجتماعی را در کمتر متن تاریخی می‌توان دست یافت و به دلایل متعددی می‌تواند منبع مهمی برای پژوهش‌های اجتماعی باشد، که عبارتند از:

۱. بازتاب اوضاع و احوال تاریخی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی از خلال شرح حال‌ها، که برای تاریخ‌نگاران و جامعه‌شناسان، بسیار سودمند و کاراست. در این گونه منابع نویسندگان رویدادها را دیده و شنیده و به نوعی در قلمرو وقایع بوده و اطلاعات کف هرم قدرت را که عموماً جایگاه مردم است، به خواننده نشان می‌دهد.

۲. نشان دادن ساختار حاکمیتی، اداری و آموزشی عصر مؤلف.

۳. نشان دادن بسیاری از آداب و رسوم، آیین‌ها، سنت‌ها و اخلاقیات مردم و نیز برخی رفتارهای فرهنگی و اجتماعی مثل حضور در قهوه‌خانه‌ها به عنوان مراکز فرهنگی و جمع شدن در برخی میدانی شهرها برای مشاعره و یا شیوع برخی ناهنجاری‌ها و یا مصرف تنباکو با بررسی تذکرها می‌توان یافت.

۴. آگاهی از مراکز فرهنگی و اجتماعی شهرها، مثل مکتب‌خانه‌ها، مدارس، حوزه‌های علمیه، کتاب‌فروشی‌ها، دارالشفاه، بازارها، میدان‌ها و گذرها.

۵. آگاهی از مشاغل زمانه نویسندگان، هم چون: میرآخورباشی، قورچی‌گری، میرآب، داروغگی، ایشک‌آقاسی، قهوه‌چی‌باشی‌گری، یوزباشی‌گری، تحلوی‌دار ایاغ‌خانه، میرجملگی، واقعه‌نویس، اوارجه‌نویس، مشرف باغات، ناظر بیوتات، مشرف اصطبل، وزیر،

کلانتر و محصص، متولّی، بزّاز، محتسب، خیک‌دوز، تاجر، معرفّ، عطّار، حکّاک، تفنگچی، لندره‌دوز، خادم مسجد، جامه‌فروش، کتاب‌دار، طبیب، زرکش، ساعت‌ساز، شعرباف و صدها شغل دیگر.

۶. آگاهی از خاندان‌های هنری، دیوانی، ادبی، فقهی زمانه نویسنده تذکره، که از طریق بررسی برخی از این خاندان‌ها می‌توانیم به ملاکان بزرگ در جامعه روستایی دست پیدا کنیم.

۷. دستیابی به تقسیم‌بندی‌های جغرافیایی شهرها، آگاهی از بافت و منظرهای شهری و روستایی، اطلاع از محلات شهرها و همچنین برخی آگاهی‌های اندک از جمعیت‌شناسی برخی شهرها.

۸. آگاهی از تاریخ معماری زمانه مؤلف و ساخت بناها به واسطه مطالعه ماده تاریخ‌ها. آنچه از میان تذکره‌های عمومی<sup>۱</sup> این دوره بتوان به‌عنوان منبع در پژوهش جامعه‌شناختی به‌ویژه در حوزه جامعه‌شناسی روستا بهره برد، آثار متعددی در دست است، اما به دلیل جلوگیری از اطاله کلام، در این مقاله سه اثر، به نام‌های خلاصه‌الاشعار، عرفات‌العاشقین و عرصات‌العارفین و تذکره نصرآبادی مورد بررسی قرار گرفته است. خلاصه‌الاشعار، تألیف میرتقی‌الدین محمد حسینی کاشانی از نویسندگان سخت‌کوش روزگار سلطنت شاه تهماسب و شاه عباس صفوی است. این کتاب برجسته‌ترین اثر او است و اشتغال به آن موجب شد، در همان روزگار، به او لقب میرتذکره دهند. تاکنون بخش‌های کاشان، اصفهان، شیراز و نواحی آن، قم و ساوه، مشهد و تبریز و آذربایجان و نواحی آن، به چاپ رسیده است.

هم‌جنس‌بازی، مزرعه‌داری تیول‌داران میمه، قالی جوشقان میمه (کاشی، ۱۳۸۴: ۴۱۹ - ۵۰۸)، فعالیت نقطویه در شهرهای مرکزی ایران، قبایل مالمیری در اصفهان (همان، ۱۳۸۶: ۳۲۱، ۳۹۲)، سیورغال برخی شعرا، تیول ری، طاعون قم، جراحی گوش بریده‌شده در نزاع و ترمیم آن (همان: ۱)؛ ۱۳۹۲: ۲، ۱۲۸، ۱۵۷)، قحطی شیراز و اصفهان و شیوع آدم‌خواری بر اثر قحطی اصفهان در ۱۰۰۳ ق (همان: ۲)؛ ۱۳۹۲: ۴۰۲ - ۴۰۳)، از نکات اجتماعی ارزشمند این تذکره است.

عرفات‌العاشقین و عرصات‌العارفین، نوشته تقی‌الدین محمد اوحدی دقاقی بلیانی

کازرونی اصفهانی است؛ او در اصفهان زاده شد و اواخر روزگار شاه تهماسب و شاه عباس را درک کرد. تذکره او افزون بر شرح احوال شاعران و نکات ادبی، مملو از اطلاعات خوب تاریخی است؛ از جمله می‌توان به گزارش‌هایی درباره فعالیت نقطویه در زمان شاه تهماسب و سرکوب نقطویان به دست شاه عباس، پاسخ شانی تکلو به فضولی در باب شعر هجوی که در باب قزلباش گفته بود (اوحادی بلیانی، ج ۱. ۱۳۸۱: ۶۶۹-۶۷۱؛ ج ۲: ۱۰۷-۱۰۸؛ ج ۴: ۲۱۷۱)، وضعیت اصفهان در هرج و مرج اواخر سلطان محمد خدابنده صفوی، شیوع تنباکو در ۱۰۱۷ق، اوضاع تیریز به هنگام محاصره و زمان اشغال عثمانی‌ها، رباخواری، اهل سنت و سکونت آنان در نواحی مرکز ایران، کشتی‌گیری، طاس‌بازی، طاعون اصفهان، اردوی ذوالقدر و افشار در کاشان، هم‌جنس‌بازان و ... اشاره کرد (همان، ج ۱: ۱۳۱۹؛ ج ۱: ۲۷، ۵۷۳، ۶۱۴؛ ج ۲: ۱۰۴، ۱۱۹۷، ۱۲۵۲؛ ج ۳: ۱۴۲۷، ۲۲۷۰؛ ج ۴: ۲۸۹۶، ۲۹۷۴، ۲۹۳۱؛ ج ۵: ۳۳۳۵؛ ج ۶: ۳۴۵۷، ۳۴۶۰).

تذکره نصرآبادی را محمدطاهر نصرآبادی به نام شاه سلیمان صفوی، تدوین کرده است. در خلال بیان سرگذشت شاعران، درباره اوضاع و احوال تاریخی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی مطالب مهمی دارد. هم‌چنین در این کتاب بسیاری از آداب و رسوم و اخلاقیات عصر صفوی هم‌چون رسم پستان سیاه کردن برای شیر نخوردن بچه، رسم دادخواهی و خون بر صورت مالیدن بازتاب دارد. با توجه به این‌که نویسنده بومی اصفهان بوده، اطلاعات خوبی هم از اوضاع و احوال آن روزگار مردم اصفهان، روابط مردم با دولت و حاکم، مشاغل، افراد، رجال، ناموران، عالمان دینی و غیردینی آن شهر دارد. هم‌چنین توصیفات درخوری از روستاها و محلات اصفهان هم‌چون عباس‌آباد، شمس‌آباد، نصرآباد، نجف‌آباد و بهترین اطلاعات را درباره مکان‌های اجتماعی به‌ویژه قهوه‌خانه و نقش آن در عصر صفوی می‌دهد. این کتاب بنا بر جامعیتی که دارد منبع و مأخذ بسیاری از تذکره‌های سال‌های پس از خود است (ناجی نصرآبادی، ۱۳۷۸: چهل‌وهفت تا شصت‌وهفت، هفتاد و هشت تا هشتاد و دو).

### الف-۳) منابع لغوی

پیر بوردیو فرهنگ‌های لغت را حاوی سوگیری می‌داند و بر این عقیده است که تمام

فرهنگ‌نامه‌ها اعم از جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، فلسفه و غیره، اغلب زورگویانه هستند. دلیل وی این است که فرهنگ‌نامه‌ها در تظاهر به توصیف، در واقع به برخی واژگان مشروعیت می‌دهند. هم‌چنین فرهنگ‌نامه‌ها را ابزارهایی می‌داند برای ساخت واقعیتی که مدعی ثبت آن‌اند و مدعی است فرهنگ‌نامه‌ها می‌توانند مؤلفان و مفاهیمی را که وجود ندارند به وجود بیاورند و برعکس درباره مفاهیم یا مؤلفانی که وجود دارند خاموش بمانند (بورديو، ۱۳۸۱: ۷۹).

حال با این نظر بورديو می‌توان به سه فرهنگ لغت به نام‌های *برهان قاطع*، *بهار عجم* و *لغت فرنگ* و *پارس* از دوره صفویه نگاه انداخت؛ ویژگی مشترک دو کتاب اول این است که هر دو فرهنگ در هند نوشته شده‌اند، اما نقطه افتراق این دو فرهنگ در این است که *برهان قاطع* را یک ایرانی مهاجر به هند نوشته و *بهار عجم* را نویسنده‌ای هندی ساکن هند، اما دوست‌دار زبان فارسی تألیف کرده است. هر دو فرهنگ تا زمان خود به واژگانی پرداختند که یا کاربرد داشته و یا از سایر فرهنگ‌ها، واژه‌ها را اخذ کردند و هر دو نیز سعی داشتند که فرهنگی کامل بنویسند. اما سومین فرهنگ نوشته یک کشیش کرملی است در دوره شاه سلیمان؛ نویسنده متولد تولوز و از کشیشان کرملی ساکتان برهنه‌پا است. کتاب فرهنگی چهارزبانه (ایتالیایی، لاتین، فرانسه و فارسی) است.

به نظر نویسنده این پژوهش، نظر بورديو درباره سوگیرانه‌نویسی نویسندگان لغت‌نامه و فرهنگ‌نویسان در بررسی سه فرهنگ لغت *برهان عجم*، *برهان قاطع* و *لغت فرنگ* و *پارس* به‌خوبی قابل درک است؛ چراکه نویسنده *برهان قاطع* - که نویسنده‌ای ایرانی است - فقط به لغات پرداخته، اما نویسنده *بهار عجم* افزون بر لغات، چون بیگانه با برخی مفاهیم زبان فارسی هم‌چون کنایات و مثل‌ها بوده، این موضوعات را نیز در فرهنگ خود وارد کرده است؛ نویسنده *لغت فرنگ* و *پارس* نیز چون احساس می‌کرده خوانندگان کتابش نسبت به مفاهیم برخی واژگان فارسی بیگانه باشند، برای خواندگانش درباره برخی از لغات و مداخل، توضیحاتی داده است. پس به این ترتیب و باز بر اساس نظر بورديو، می‌توانیم به بهره‌گیری از این لغات و کنایات به اطلاعات جدیدی به‌ویژه در حوزه اجتماعی دست یابیم؛ حال با این مقدمه کوتاه به اهمیت این سه فرهنگ لغت می‌پردازیم.

*برهان قاطع* تألیف محمدحسین بن خلف تبریزی متخلص به *برهان*، واژه‌نامه‌ای به زبان

فارسی است که در سال ۱۰۶۲ق، در حیدرآباد هندوستان به نام سلطان عبدالله قطبشاه، پادشاه شیعی مذهب دکن نوشته شده است. در سده ۱۱ق، به دلیل گسترش و رواج روزافزون زبان و ادب فارسی در هند، نیاز به چنین فرهنگی برای درک واژگان دشوار دیوان‌های فارسی‌سرایان، بیش از پیش احساس می‌شد. نویسنده آن به بیشتر فرهنگ‌های لغتی که پیش از او تدوین شده بود، نظر داشته و کوشیده است که کتابش جامع و حاوی همه آن‌ها باشد، لذا برهان قاطع از نظر کمیّت، افزونتر از فرهنگ‌های گذشته است و از همان زمان تألیف، کثرت لغات و مطالب آن توجه اهل فضل را به خود جلب کرد (معین، ۱۳۶۲: ۱۷-۱۸).

این کتاب با توجه به لغات آن، منبع خوبی برای یافتن برخی اصطلاحات آبیاری و ابزار و ادوات کشاورزی و دامداری و آفات کشاورزی است و گاه می‌شود از برخی معانی لغات به تنوع کاربری برخی درختان هم‌چون درخت خرما، اطلاعات جامعه‌شناختی خوبی به‌دست آورد (تبریزی، ۱۳۶۲: ۱۳۰۴، ۱۵۵۲، ۱۵۵۴، ۱۵۵۷، ۱۵۱۶).

بهار عجم اثر لاله تیک‌چند (پیک‌چند یا لالاتیک) متخلص به بهار و مشتمل بر حدود ده‌هزار واژه است؛ مؤلف، شاعر هم بوده و از جوانی به تحقیق در لغات فارسی و اصطلاحات و امثال آثار معاصران و گذشتگان پرداخته و در بیست سال آن‌ها را از کتاب‌های مشهور و دیوان‌های شاعران جمع‌آوری کرده و سرانجام در پنجاه‌وسه سالگی کتاب بهار عجم را نوشت و سال تألیف آن را به حساب جُمْل «یادگار فقیر حقیر بهار» برابر با ۱۱۵۲ق ذکر می‌کند. با توجه به این‌که نویسنده، هندی و در ایران زندگی نمی‌کرده، بسیاری از واژه‌ها و کنایاتی که او جمع‌آوری کرده، مملو از اطلاعات دربارهٔ ابزار و آلات کشاورزی و دامداری و حرف، اصطلاحات ورزش کشتی، غذاها و اصطلاحات و کنایات هم‌جنس‌بازان و قلندران به‌ویژه قلندران اصفهان است که برای تحقیقات اجتماعی و مردم‌شناسی شهری و روستایی بسیار مفید است (چندبهار، ۱۳۸۰: ۳۷۳، ۳۷۵، ۳۸۲، ۸۱۵، ۸۹۲، ۹۶۱، ۱۶۹۲).

«لغت فرنگ و پارس»، تألیف ژوزف لابروس (Joseph Labrosse) (آنژلو / آنژیوس دو سن ژوزف)، از نخستین فرهنگ‌های فارسی - فرنگی است که ۳۲۵ سال پیش، هم‌زمان با سلطنت شاه سلیمان صفوی، در سال ۱۶۸۴م (۱۰۹۶ قمری)، در جهان آن روزگار،

انتشار یافته است. مبنای فرهنگ، زبان ایتالیایی است، اما بخش عمده آن را معادل‌ها و توضیحات فارسی تشکیل می‌دهد.

مؤلف کتاب، خود را بنده و قربان حضرت ایسوع پادری انجلی کرملیط مولود شهر طولوزه از کشیش‌های کرملی ساکتان پابرهنه - که از دوران شاه عباس اول، با کسب احترام و امتیازهای ویژه، در ایران به خدمات مختلف و ترویج دین می‌پرداختند - معرفی کرده است. او ضمن پرداختن به امور دینی، به اقصی نقاط ایران مسافرت نیز کرده و به مطالعه کتاب‌های گوناگون در زمینه‌های موسیقی، طب، ریاضی، نجوم و ... علاقه‌مند بوده است. او در کتابش به انتقال کتاب‌های خطی به فرنگ و ترجمه آن برای پادشاه فرانسه اشاره دارد و از درآمد سالیانه «حضرت سلطنت‌پناه پادشاه ایران» و بهای وسایل ارزشمند در مراسم اعیاد، در دربارهای سلطنتی، هم‌چنین از قیمت مالیات راهداران و از حمل و نقل کالا - که شامل حفاظت آن‌ها نیز می‌شده - اطلاعات خوبی به خواننده می‌دهد. از شهرهایی مانند اصفهان، شیراز، بهبهان، ایروان، نخجوان، موصل، بصره، پرسپولیس، لار، بندر عباس، بحرین، جزیره هرمز، جزیره خارک، بندر لنگه و ... دیدن کرده و در عین حال به‌عنوان صاحب‌نظر، طب پارسی را مطلقاً جالینوسی می‌داند و همه جا از فارسی به زبان عجمی یاد می‌کند (لابروس، ۱۳۹۲: ۱۴۵، ۱۸۰، ۱۸۶ - ۱۸۷، ۲۱۸).

## نتیجه

با توجه به بررسی‌هایی که در این‌گونه منابع شد، می‌توان نتیجه گرفت که برای آگاهی از ساخت اجتماعی، ریخت‌شناسی جامعه، قشربندی‌های اجتماعی (خاندان‌های دیوانی، فقهی، ادبی، هنری و اقتصادی)، منظرها و اماکن شهری، رفتارهای اجتماعی و دینی، ناسزاها، آیین‌ها و سنت‌ها، سنت پخت و پز غذاها، گویش‌های محلی و متل‌ها و مثل‌ها، ساختار صنعتی و شکل دستگاه‌های برخی مشاغل، تبادلات تجاری روستاها و شهرها، فعالیت‌های دینی و ضددینی، تقسیم‌بندی‌های جغرافیایی و دستیابی به برخی اطلاعات در باب جغرافیای طبیعی، انسانی و اقتصادی و نیز دستیابی به برخی از فرامین حکومتی، نمی‌توان از منابع ادبی غفلت کرد.

این منابع با توجه به محتوای خود، می‌تواند به پژوهش‌گر حوزه مطالعات تاریخ

اجتماعی کمک کند تا افزون بر متون تاریخی، از این منابع به عنوان منابع مکمل بهره برده، به گردآوری مطالب، تحلیلی سودمند از اوضاع اجتماعی زمانه‌ای که برای پژوهش خود تعیین کرده است، به خوانندگان ارائه دهد.

### پی‌نوشت

۱. تذکره‌ها را به لحاظ محتوا می‌توان چنین طبقه‌بندی کرد: تذکره‌های عمومی که بدون اتخاذ دیدگاهی خاص یا محدودیت ویژه‌ای، به ذکر احوال و آثار ادبا پرداخته‌اند. تذکره‌های دوره‌ای که به سرگذشت ادیبان یک دوره خاص تعلق دارد. تذکره‌های سلسله‌ای یا خاندانی که نویسنده این گونه تذکره‌ها، به سرگذشت یک خاندان و یا سلسله توجه داشته است. تذکره‌های محلی - منطقه‌ای که به ذکر شعرا و ادبای یک منطقه جغرافیایی در دوره‌ای خاص می‌پردازد. تذکره‌های خاص آناری است که سرگذشت گروهی از شاعران و نویسندگان را دارا است که در باب یک سوژه یا یک فرد شعر سروده‌اند. تذکره‌های تاریخی ادبی که در کنار مطالب تاریخی به سرگذشت ادیبان و دانشمندان نیز توجه کرده‌اند. (برای آگاهی بیشتر، رک: صادق سجادی، نگاهی به تاریخ ادبیات نگاری و منابع آن در قلمرو فارسی، نامه فرهنگستان، ش ۱۳، ۱۳۷۸، صص ۴ - ۶).

### منابع

#### الف) کتاب‌ها

۱. اوحدی دقاقی بلیانی کازرونی اصفهانی، تقی‌الدین محمد. (۱۳۸۸). عرفات‌العاشقین و عرصات‌العارفين، تصحیح ذبیح‌الله صاحبکاری و آمنه فخراحمد، تهران: میراث مکتوب.
۲. بوردیو، پیر. (۱۳۸۸). درسی درباره درس، ترجمه ناصر فکوهی، تهران: نشر نی.
۳. تبریزی، محمد حسین بن خلف. (۱۳۶۲). برهان قاطع، تصحیح محمد معین، تهران: امیرکبیر.
۴. چند بهار، لاله تیک. (۱۳۸۰). بهار عجم، تصحیح کاظم دزفولیان، تهران: طلايه.
۵. شیرازی متخلص به فتوحی، روح‌الله. (۱۳۸۹). شرف‌نامه لاری، تصحیح محمدباقر وثوقی با همکاری خدیجه عالمی و منوچهر ایزدینیا، تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۶. صفت‌گل، منصور. (۲۰۰۶). مقدمه پژوهشی درباره مکتوبات تاریخی فارسی ایران و ماوراءالنهر (صفویان اوزبکان و امارت بخارا) همراه با گزیده مکتوبات، توکیو: مؤسسه مطالعات زبان‌ها و فرهنگ آسیا و آفریقا دانشگاه مطالعات خارجی توکیو.
۷. فرقدانی، شهلا. (۱۳۸۹). بررسی آرای انتقادی در تذکره‌های مهم فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه علامه طباطبایی.
۸. کاشی، میر تقی‌الدین. (۱۳۸۴). خلاصه‌الاشعار (بخش کاشان)، تصحیح عبدالعلی ادیب برومند و محمدحسین نصیری کهنمویی، تهران: میراث مکتوب.
۹. \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۶). خلاصه‌الاشعار (بخش اصفهان)، تصحیح عبدالعلی ادیب برومند و محمدحسین نصیری کهنمویی، تهران: میراث مکتوب.

۱۰. \_\_\_\_\_ (۱). (۱۳۹۲). خلاصه‌الاشعار (بخش قم و ساوه)، تصحیح علی‌اشرف صادقی، تهران: میراث مکتوب.
۱۱. \_\_\_\_\_ (۲). (۱۳۹۲). خلاصه‌الاشعار (بخش شیراز و نواحی آن)، تصحیح نفیسه ایرانی، تهران: میراث مکتوب.
۱۲. لایروس، آنژلوس دوسن ژوزف. (۱۳۹۲). لغت فرنگ و پارس، به‌کوشش سید محمدحسین مرعشی، تهران: سفیر اردهال.
۱۳. معین، محمد. (۱۳۶۲). مقدمه برهان قاطع، محمد حسین بن خلف تبریزی، تهران: امیر کبیر.
۱۴. ناجی نصرآبادی، محسن. (۱۳۷۸). مقدمه تذکره نصرآبادی، از محمدطاهر نصرآبادی، تهران: اساطیر.
۱۵. وثوقی، محمدباقر. (۱۳۸۹). مقدمه شرف‌نامه لاری، از روح الله شیرازی متخلص به فتوحی، تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۱۶. وقاری، مولانا محمد امین. (۱۳۸۴) گلدسته اندیشه، تصحیح محمدرضا ابویی مهریزی، یزد: اندیشمندان.

#### ب) مقالات

۱۷. ابویی مهریزی، محمد. (۱۳۸۴). "معرفی گلدسته اندیشه"، در آینه میراث، س ۳، ش ۲۹.
۱۸. اورجی، فاطمه؛ منوچهری، علی. (۱۳۹۳). "جایگاه منشآت نصرالله بن عبدالمؤمن منشی سمرقندی در پژوهش‌های تاریخی دوره تیمور"، در گنجینه اسناد، ش ۹۳.
۱۹. سارلی، ناصرقلی. (۱۳۹۲). "جنبه‌های اجتماعی فرهنگ‌نویسی"، در ویژه‌نامه نامه فرهنگستان، ش ۵-۶.
۲۰. شفیعیون، سعید. (۱۳۹۳). "گذری دیگرگون بر تذکره‌های ادبی (بحث درباب گونه‌شناسی تذکره‌های ادبی و ارائه طرحی برای تقسیم بندی آن‌ها)"، در فنون ادبی، دانشگاه اصفهان، س ۶، ش ۱۱.
۲۱. صادقی، علی‌اشرف. (۱۳۸۹). "پژوهش‌های لغوی، فرهنگ نویسی"، در ویژه‌نامه نامه فرهنگستان، ش ۳.